

پرسشنامه هامیلتون

مقیاس درجه بندی افسردگی هامیلتون

(HRSD)

شاخص هامیلتون برای ارزشیابی افسردگی

دستور العمل: در مقابل هر یک از جنبه های مختلف افسردگی توصیفی را که بهتر با رفتار یا حالت بیمار تطبیق می کند انتخاب و با گذاشتن علامت (X) در مقابل نمره مربوط در پاسخنامه آن را مشخص کنید.

۱) خلق افسرده (غمگین، نومید، مستأصل، بی ارزش)

=۰ وجود ندارد.

=۱ این احساسات فقط در موقع سؤال ابراز شده اند.

=۲ مریض بدون احتیاج به سؤال این حالت را بیان داشته.

=۳ مریض به صورتی غیر کلامی یعنی از طریق نحوه تکلم، حالات صورت وضع ایستادن، تمایل به گریه و غیره این حالات عاطفی را نشان می دهد.

=۴ مریض در مذاکرات کلامی و غیر کلامی خود منحصراً از این حالات عاطفی گزارش می دهد.

۲) احساس گناه

=۰ وجود ندارد

=۱ خود را سرزنش می کند فکر می کند به دیگران صدمه زده است.

=۲ افکار حاکی از گناه، اشتغال ذهنی یا اشتباهات یا گناهان گذشته.

=۳ بیماری خود را نوعی تنبیه و جزا می داند، هذیان گناه.

=۴ صداهایی را می شنود که او را متهم یا محکوم می کنند و یا صحنه های خیالی تهدیدکننده ای را می بیند.

۳) خودکشی (میل به خودکشی)

=۰ وجود ندارد.

=۱ احساس می کند زندگی ارزش زیستن ندارد.

=۲ آرزو می کند بمیرد یا هرگونه فکر درباره احتمال مرگ خود.

=۳ افکار یا اشارات حاکی از قصد خودکشی.

=۴ کوشش در کشتن خود (هر نوع اقدام جدی ۴ نمره داده می شود).

۴) بی خوابی اول شب.

=۰ اشکالی در به خواب رفتن ندارد.

=۱ از اشکال گاهگاه در به خواب رفتن شکایت دارد (مثلاً یک دوم ساعت تأخیر در خواب رفتن)

=۲ از اشکال مداوم (هر شب) در به خواب رفتن شکایت دارد.

۵) بی خوابی وسط شب

=۰ اشکالی ندارد.

=۱ از ناآرامی و ناراحتی خواب در طول شب شکایت دارد.

۲= بیدار شدن در وسط شب، هر گونه بیرون آمدن از رختخواب نمره ۳ می گیرد (مگر این که به منظور رفع حاجت باشد).
(۶) بی خوابی آخر شب.

۰= اشکالی ندارد

۱= در ساعات اولیه صبح بیدار می شود ولی مجدداً به خواب می رود.

۲= اگر از رختخواب بیرون برود دیگر خوابش نمی برد.

(۷) کار و فعالیت

۰= مشکلی ندارد.

۱= افکار و احساساتی حاکی از ناتوانی خستگی یا ضعف در رابطه با فعالیت ها، کار و سرگرمی های روزمره.

۲= از دست دادن علاقه به فعالیت، سرگرمی ها یا کار خواه مستقیماً توسط مریض گزارش شود یا غیرمستقیم به صورت

بی حالی، بی ارادگی، و تغییر علاقه بیان گردد (احساس می کند باید به خودش فشار بیارود تا سرکار یا فعالیت برود).

۳= کاهش عینی در مدت اشتغال به کار و فعالیت با تولید در مورد بیماران بستری در بیمارستان، نمره ۳ به بیماری داده شود

که حداقل سه ساعت از روز به فعالیت یا سرگرمی های موجود در بیمارستان و غیر از کارهای اجباری بپردازد.

۴= به علت بیماری فعلی از کار دست کشیده است. در مورد بیماران بستری در بیمارستان نمره ۴ به بیماری داده می شود که

به هیچ کار یا فعالیتی جز وظایف اجباری بیمارستان نپردازد و یا وظایف بیمارستان را هم بدون کمک دیگران انجام

ندهد.

(۸) کندی (کند شدن فکر و بیان، کاهش قدرت تمرکز حواس، کاهش فعالیت حرکتی)

۰= فکر و صحبت عادی.

۱= مختصر کندی فکر و بیان به هنگام مصاحبه.

۲= کندی آشکار و بارز به هنگام مصاحبه.

۳= مشکل شدن مصاحبه بعلا کندی فکر، بیان و حرکت مریض.

۴= بهت کامل.

(۹) بی قراری و ناآرامی

۰= ندارد.

۱= با دست ها و موها و غیره بازی می کند.

۲= دست هایش را به هم می مالد و فشار می دهد، ناخن هایش را می جود، موهایش را می کند، لب هایش را گاز می گیرد.

(۱۰) اضطراب درونی (یا روانی).

۰= مشکلی ندارد.

۱= تنش و تحریک پذیری ذهنی یا درونی

۲= بخاطر مطلب جزئی زیاد فکر می کند و نگران است.

۳= نگرانی و اضطراب از صورت یا بیانش آشکار است.

۴= بدون نیاز به پرسش ترس ها و نگرانی هایی را اظهار می کند.

(۱۱) اضطراب بدنی.

۰= ندارد.

علائم یا واکنش های فیزیولوژیکی همراه با اضطراب.

- ۱= خفیف. نظیر علائم دستگاه گوارشی، خشکی دهان، نفخ سوء هاضمه، اسهال، آروغ، دل درد.
- ۲= متوسط. علائم قلبی شریانی: ضربان قلب، سردرد.
- ۳= شدید. علائم تنفسی: تنفس تند و عمیق، آه کشیدن زیاد، ادرار یا عرق کردن.
- ۴= فلج کننده. (۱۲) علائم مربوط به دستگاه گوارشی
- ۰= ندارد.
- ۱= از دست دادن اشتها ولی بدون اصرار دیگران غذا می خورد، احساس سنگینی در ناحیه شکم.
- ۲= اشکال در غذا خوردن در صورتی که دیگران اصرار نکنند. تقاضای داروهای ملین یا داروهای خاص دستگاه هاضمه یا نیاز به آنها.
- (۱۳) علائم بدنی کلی.
- ۰= ندارد.
- ۱= احساس سنگینی در دست ها، پاها، سر یا پشت، پشت درد، سر درد، دردهای عضلانی، از دست دادن انرژی و زود خسته شدن.
- ۲= وجود بارز و آشکار هر یک از علائم بالا.
- (۱۴) علائم مربوط به دستگاه تولید مثل.
- ۰= ندارد.
- ۱= خفیف.
- ۲= شدید.
- ۳= نامعلوم، مشخص نشده.
- (۱۵) هیپوکندریا (بیماری خیالی).
- ۰= ندارد.
- ۱= اشتغال ذهنی با فعالیت های بدنی خود.
- ۲= اشتغال ذهنی به سلامت یا بیماری خود.
- ۳= درباره سلامت خود تقاضای کمک دارد.
- ۴= هذیان های هیپوکندریک.
- (۱۶) کاهش وزن.
- الف) ارزشیابی بر طبق تاریخچه بیمار.
- ۰= کاهش وزن ندارد.
- ۱= کاهش وزن احتمالی در رابطه با بیماری حاضر.
- ۲= کاهش وزن قطعی و طبق اظهارات خود مریض.
- ب) برحسب ارزیابی های هفتگی توسط روانپزشک مسئول که تغییرات وزن مریض را قبلاً اندازه گرفته است:
- ۰= کمتر از نیم کیلو کاهش وزن در یک هفته.
- ۱= بیش از نیم کیلو کاهش وزن در یک هفته.

۲= بیش از یک کیلو کاهش وزن در یک هفته.

(۱۷) آگاهی یا اطلاع از وضع خود.

۰= افسردگی و مریض بودن خود را قبول دارد.

۱= بیماری خود را قبول دارد ولی آن را از بدی غذا، کار زیاد، ویروس، نیاز به استراحت و غیره می داند.

۲= بکلی منکر بیمار بودن خود است.

(۱۸) تغییرات روزانه (دیورنال).

قبل از ظهر	بعد از ظهر
۰= ندارد	اگر علائم بیماری صبح ها یا عصرها شدیدتر می شود.
۱= مختصر = ۱	موقع تشدید علائم، صبح یا عصر و درجه شدت آن
۲= شدید = ۲	را ارزیابی کنید.

(۱۹) مسخ شخصیت و واقعیت.

۰= ندارد.	از قبیل احساس واقعیت نداشتن اشیاء، حوادث
۱= خفیف.	اطراف، افکار حاکی از نابودی و نیستی خود.
۲= متوسط.	
۳= شدید.	
۴= فلج کننده.	

(۲۰) علائم پارانوئید (سوء ظن شدید).

۰= ندارد.

۱= کمی ظنین و بدگمان (کمی)

۲= ظنین و بدگمان (زیاد).

۳= فکرهای ارجاعی یا انتساب به خود.

۴= هذیانهای ارجاع و انتساب به خود و تعقیب و گزند.

(۲۱) علائم وسواس فکری و عملی

۰= وجود ندارد.

۱= خفیف.

۲= شدید.

(۲۲) بی چارگی یا استیصال (بی عرضگی).

۰= وجود ندارد.

۱= احساس ذهنی که فقط در جواب پرسش روانپزشکی اظهار می شود.

۲= مریض احساس بی چارگی یا استیصال خود را بطور داوطلبانه بیان می کند.

۳= مریض به اصرار و راهنمایی و تشویق دیگران احتیاج دارد تا بتواند، وظایف روزمره خود را در بیمارستان انجام دهد یا

به نظافت شخصی خود بپردازد.

۴= مریض به کمک دیگران نیازمند است تا بتواند لباس بپوشد، سر و صورت خود را مرتب کند، غذا بخورد، به بستر برود یا به نظافت شخصی پردازد.

۲۳) نومیدی و یأس

۰= وجود ندارد.

۱= هر از گاهی درباره امکان بهبود خود یا کارها دچار تردید می شود ولی بر اثر تشویق دیگران امیدواری پیدا می کند.

۲= دائماً احساس یأس و نومیدی می کند ولی دلداری های دیگران را می پذیرد.

۳= احساسات حاکی از نومیدی، یأس، بدبینی درباره آینده اظهار می کند که نمی توان آنها را از او دور کرد.

۴= خود به خود، بدون تناسب با مقتضای حال و مقال، عباراتی از قبیل «من هرگز بهبود نخواهم یافت» را پشت سر هم تکرار می کند.

۲۴) بی ارزشی. این حالت از احساس خفیف از دست دادن آبرو، احساس حقارت، سرزنش و تحقیر خود تا افکار هذیانی حاکی از بی ارزشی را در برمی گیرد.

۰= وجود ندارد.

۱= فقط در صورت سؤال کردن علائمی از احساس بی ارزشی به صورت از دست دادن احترام یا آبرو نشان می دهد.

۲= خود به خود بدون سؤال احساس بی ارزشی و از دست دادن احترام و آبروی خود بیان می دارد.

۳= تا حدی با ۲ فرق دارد مریض اعلام می دارد که آدم به درد خوری نیست، پست و حقیر است.

۴= افکار هذیانی حاکی از بی ارزشی از قبیل من یک مشت آشغال بیش نیستم و نظائر آن.